

بسم الله الرحمن الرحيم

برای دانلود متن درس [کلیک کنید](#)

مستحضرید گفتگوی ما راجع به تکلیف صبی و صبیبه بود. ما هم عرض کردیم و گفتیم آیا می شود بچه را مکلف دانست یا نه؟ سوالی از سوی دوستان مطرح شده است که پاسخ به آنها لازم است. حدیث رفع قلم امتنانی است، برخی قائلند احادیث امتنانی آبی از تخصیص و تقییدند لذا اگر در مانحن فیه قائل به خروج تخصصی نباشیم نمی توانیم بگوییم مدرکاتی که عقل مستقلاً درک می کند حدیث را تقیید می زنند. پاسخ: دیروز ملاحظه کردید محقق نائینی فرمودند حدیث رفع نسبت به واجباتی که عقل درک می کند جاری نمی شود. جواب:

این مورد تخصصاً خارج است نه تخصیصاً؛ در جایی که عقل به نابالغ می گوید برو یاد بگیر یا به بالغ می گوید برو قبل از وقت آماده بشو تا بتوانی در زمان بلوغ یا تکلیف، به وظیفه ات عمل کنی و... این موارد تخصصاً از حدیث رفع خارج است. بیان آقای نائینی هم با تخصص سازگاری داشت چرا که ایشان می فرمود: حدیث رفع در واجبات شرعی جریان دارد نه در احکام عقلی.

استاد: آقایان خیلی سریع می گویند حدیث رفع امتنان است اما به نظر ما اینکه پیامبر می فرمایند: رفع قلم شده از بچه تا بلوغ از دیوانه تا زمانی که خوب شود از انسان خواب تا بیدار شود و... آیا این ها امتنان است؟! اینکه دیوانه تکلیف ندارد که امتنان نیست این را هر انسان عاقلی می فهمد بلکه نسبت به مراهق قبل از بلوغ می شود امتنان را مطرح کرد. یا مثلاً آقایان در قاعده لاضرر می گویند این قاعده امتنانی است اگر لاضرر به معنای حرمت اضرار باشد که امتنان نیست. بارها گفته ایم وجود حکم ضرری اشکال ندارد حکم نباید مفسده دار باشد، جنگ، پول خرج کردن و... در برخی از موارد ضرری است اما مفسده ندارد.

تحقیق مطلب

ما دیروز یک ترازو درست کردیم یک طرف ترازو محقق نائینی بود که می فرمود بچه نسبت به مستقلات عقلیه تکلیف دارد و یک طرف محقق خویی که معتقد است بچه نسبت به واجبات تکلیف ندارد و تعلم قبل از بلوغ لازم نیست و لو اینکه چند روز اعمال بچه بعد از بلوغ فوت شود. البته آقای خویی انکار درک عقل نمی کند بلکه می فرماید: شارع تعبداً از عهده بچه تکلیف را برداشته است.

به نظر شما ما کدام طرف ترازو را تقویت کنیم آیا در کنار مرحوم نائینی بایستیم یا کنار آقای خویی؟

استاد: البته دقت کنید اگر گفتیم بچه مکلف است باید لوازمش را هم بپذیریم مثلاً استحقاق عقاب را هم در صورت ترک تعلم از سوی نابالغ معتقد شویم. اگر بچه نرفت در آن دو روزی که باید یاد می گرفت یاد بگیرد و قبل از بلوغ مرد آیا استحقاق عقاب را دارد؟

مگر اینکه گفته شود این واجب طریقی است و مخالفت آن عقاب ندارد. اگر در محرمات بحث را بردیم مثلاً بچه ای که دزدی می کند از آنجا که قبح دزدی از مستقلات عقلیه است آیا این بچه مستحق عقاب است؟ آیا حد سرقت در مورد او جاری می شود؟ آیا مثل برخی ها که معتقدند لکل حرام تعزیر ... می شود نابالغ را تعزیر کرد؟ البته علمای ما نسبت به نابالغ تعبیر به تعزیر نمی کنند بلکه تعبیر به تادیب می کنند. حد معمولاً برای بالغین هست تعزیر هم برای بالغین است البته در جایی که شارع حد تعیین نکرده است و یک تادیب داریم که نسبت به نابالغین مطرح است مثلاً گفته شده سر انگشتان کودک سوزن بزنید و تادیب

کنید. (البته مراد بچه ممیز است نه بچه ای که هیچ چیز نمی فهمد/بیشتر تحقیق شود)

آقای نائینی همین طور که وجوب را می پذیرد باید قائل به حرمت هم بشود. نسبت به عقاب نابالغ هم ممکن است کسی بپذیرد؛ نسبت به حکم وضعی هم همه قائل اند که ضمان نسبت به کودک جریان دارد. اما نسبت به اجرا حد من خیلی بعید می دانم (حتی غیر ممکن) اینکه محقق نائینی قائل به اجرا حد نسبت به نابالغ شود چرا که از شرایط مسلم اجرا حد، بلوغ است. در طرف مقابل محقق نائینی، مرحوم خویی ایستاده که معتقد است نابالغ اصلاً تکلیفی ندارد. از لوازم کلام ایشان این است، با ترک تعلم در زمان قبل بلوغ اگر چند روز عبادات مکلف در وقت ترک شد اشکالی ندارد.

استاد: من بعید می دانم محقق خویی معتقد شوند که تعلم برای کودک لازم نباشد و اجازه دهند واجبات از او فوت شود. ای کاش ایشان زنده بودند و از ایشان می پرسیدیم که آیا چنین لازمه ای را در فقه می پذیرفتند؟ اگر شخصی که بالغ شده در چند روز اول به خاطر عدم تعلم نماز نخواند آیا قضا بر او لازم است؟ اگر بگویید بله سوال می کنیم روی چه ملاکی قضا کند؟ خود شما فرمودید تعلم لازم نبوده و... مخصوصاً اگر قضا به امر اول باشد اگر طبق مبنای دوم باشد ملاکش چیست؟ در بحث قضا دو مبنا وجود دارد 1. قضا به امر اول است. 2. قضا به امر جدید است. من خیلی بعید می دانم فقها تعلم را قبل از بلوغ لازم ندانند؛ در این موارد فقها یا حرف محقق نائینی را می زنند و یا به سمت واجب معلق می روند یعنی می گویند وجوب جلوتر آمده و... البته واجب معلق هم مشکل را حل نمی کند چرا که آمدن وجوب به سمت نابالغ اول الکلام است.

به نظر من مشکلات کلام آقای خویی بیشتر است آقای نائینی فقط باید به چند سوال جواب دهد و مشکل خاصی ندارد. تحقیق

1. ما باید موضعمان را ابتدائاً نسبت به عقل مشخص کنیم؛ اصرار مشهور این است که عقل ادراک دارد نه حکم؛ عقل فقط ادراک بایستگی می کند مثل مشاور؛ مشاور و دکتر نمی توانند به شما امر کنند بلکه صرفاً راهنمایی می کنند. (من اولین بار است این مطلب را می گویم) ما می توانیم جوری برای عقل یک حق امر و نهی درست کنیم مثل حق امری که شارع به پیامبر (ص) داده است. تنها کسی که ولایت بالذات دارد خداوند است اما خداوند این ولایت را به برخی ها واگذار کرده است مثلاً به پیامبر و ائمه و پدر، عدول مومنین، فساق مومنین (زلزله آمده اثاث مردم افتاده است همه باید کمک کنند تا کارها پیش برود امر و نهی می کنند و... البته مراد از فساق مومنین افراد غیر عادل است (همین مردم کوچه و بازار) نه شراب خور و...؛ البته ولایت همه افراد غیر از خدا در راستای مصلحت است. چه اشکالی دارد بگوییم: جعل الشارع العقل صاحب امر... همانطور که خداوند نبی مکرم را صاحب امر قرار داده است. تا الان می گفتیم كلما حکم به العقل... ادراکه العقل اتفاقاً قاعده ملازمه را این طور معنا کنیم و بگوییم شارع مقدس هر موردی که عقل ادراک بایستگی بکند همین را حکم شرعی قرار می دهد و عقل را در این باره حجت قرار می دهد.

ص 370 برگه

يَتِمُّ التَّحْقِيقُ فِي الْمَسْأَلَةِ بَيَانُ أُمُورٍ:

الاول ان من المتسالم عليه لدى اهله و ان كان ان للعقل الادراك لا الحكم ولكن في المقام قد يبدو سؤال عن امكان اعطاء الشارع الحجية و لزوم التبعية للعقل و عدمه؟ و استند في إمكان ذلك بما ورد من الشريعة المطهرة في إبرام العقل و تأييده و فسرت الملازمة - مكان تفسيرها بـ «كل ما ادركه العقل حكم به الشرع» - بـ «كل ما أدركه العقل جعله الشارع حجة بجعله العقل حجة» (مثل اینکه بگوییم هر چه را که پیغمبر (ص) امر بکند شارع حجت قرار می دهد) و بذلك يصحّ امره و نهيه و حكمه.

2. اگر قائل شدیم وجوب معرفت جزء مستقلات عقلی است آیا می توان گفت شارع مسلمات عقلی را تخصیص می زند. یا مستقلات عقلیه قابل تخصیص نیست؟

این مثل این است بگوییم حرمت ظلم تخصیص خورده است. این که معنا ندارد باید بگوییم این مصداق ظلم نیست و... اشکالی که به ما می کنند بحث تناسب حکم و جریمه است که در روایت ابان مطرح شده است ما در فقه و عقل جواب آن روایت را دادیم و گفتیم ما دلیلی بر تناسب نداریم. به کتاب فقه و عقل مراجعه کنید و مطلب را ببینید.

ما داریم از آقای خویی عملاً فاصله می گیریم و می گوییم یا بگویید مسلم عقلی نیست یا بگویید بچه دو سه روز اول تکلیف ندارد و شارع تکلیف را برداشته است. والا اینکه گفته شود فلان واجب مسلم عقلی به تعبد شارع برداشته شده است مطلب قابل قبولی نیست.

الحمد لله رب العالمین